



مشکلات جنبش کارگری ایران یکی دونا نیست.

قبل از هر چیز کارگران فاقد هرگونه تشکل کارگری هستند، تلاشهای کارگران پیشرو و رهبران عملی آنها برا ایجاد تشکل های کارگری حتی درحد صنفی آن با سد ممنوعیت و سرکوب مواجه است. از طرفی بحص اینک اساسا چه گونه تشکلی پاسخگوی نیازهای فعلی جنبش کارگری است و کدام تشکل میتواند درعین رفع نیازمندیهای طبقه کارگر و طرح وپیشبرد مطالبات صنفی و اقتصادی آنها، چشم انداز مبارزات آتی آنها را هم تامین کند و پشتوانه توده ای برای مطالبات سیاسی اها هم باشد، یکی از بحث هائی است که هنوز بدلیل شرایط حاکم برجامعه به نتیجه نرسیده است. از این رو با توجه به اینکه بخشی از کارگران از جمله کارگران شرکت واحد با تلاش و کوشش خود سندیکای این شرکت را احیا و مشغول مبارزه برای تثبیت موقعیت این تشکل هستند بد ندیدیم برخی از مواضع ودید گاه های آنها را درنشریه منعکس کنیم تا خوانندگان نشریه درجریان نظرات مطوحه وفعالتهای سندیکائی این بخش از کارگران قرارگیرند.

موضع هیات موسسان سندیکاهای کارگری در اعتراض به «لایحه پیشنهادی اصلاح قانون کار»
ارایه لایحه پیشنهادی اصلاح قانون کار، توسط دولت به مجلس شورای اسلامی بحران زا و تنش آفرین است.

وزیر کار اعلام می دارد که: اصلاح قانون کار با محوریت تولید، اشتغال و سرمایه گذاری های جدید خواهد بود. نایب رییس مجلس شورای اسلامی در نشست و مذاکره با روسا و نمایندگان اتاق صنایع و معادن، به حذف قوانین مزاحم بویژه در روابط کار اشاره می کند. این تحرکات نشان از اراده و تصمیم جدی در تغییر و لغو تدریجی روابط کار به نفع کارفرمایان و سیستم سرمایه داری دولتی را دارد و برخلاف شعارهای انتخاباتی آقای رییس جمهوری، نان را از سفره کارگران خواهد برید.

ادامه در صفحه ۴



عقاب نیز چشم سینمای انقلاب
" انقلاب کمونیستی شوروی هیچ
چیز هم اگر برای ما نداشته باشد،
یک چیز دارد، یک چیز بسیار مهم
، سرگئی آیزنشتاین.

"کن لوچ"

سرگئی میخالوویچ آیزنشتاین، فیلمساز بزرگی که سینما مدیون اوست، در ۹ اکتبر ۱۸۹۸ در شهر ریگا لاتویا به دنیا آمد، در خانواده ای یهودی. اما سرنوشت سرگئی را به سمتی دیگر برد، در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۱۷ همراه با مردم روسیه دست به قیام بزرگ کمونیستی زد، پس از آن او توسط پدرش از خانواده طرد شد، وی در هنگام انقلاب نوزده سال بیشتر نداشت و دانشجوی رشته مهندسی بود. پس از آن خانواده اش از هم پاشید و تبعید شدند، اما سرگئی در پتروگراد ماند. او برای تطبیق خود با جامعه و انقلاب کمونیستی پس از ۱۹ سال زندگی در یک محیط یهودی، خود و تفکراتش را در خدمت آرمان های انسان دوستانه مارکسیستی قرار داد.

آیزنشتاین طی ده سال بعد ابتدا در تئاتر و سپس در سینما به شهرتی جهانی رسید. او پس از ملاقات با یکی از دوستان دوره ی کودکی خود به عنوان نقاش صحنه و طراح دکور در تئاتر پرولتکالت مسکو مشغول کار شد. در همان زمان تئاتر را مکانی مناسب برای تبلیغات سیاسی یافت و به کمک استادش وزولود میرهولد هنر پیشه و کارگردان تئاتر های سیاسی زیادی را بر وی صحنه برد، نخستین کار تئاتری اش را در سال ۱۹۲۳ به روی صحنه برد. پس از مدتی آیزنشتاین از زیر سلطه میرهولد خارج شد و به شدت به تئاتر های ژاپنی علاقه مند شد و چند تئاتر را در همین ژانر به صحنه برد. بعد از انقلاب اکتبر سینمای شوروی با بلا تکلیفی روبرو بود، اما سخنان لنین بزرگ همه را از بلا تکلیفی در آورد: "سینما در بین همه ی هنرها و رسانه ها برای ما و بقیه ی هنرها برای دیگران! ما از سینما خیلی استفاده خواهیم کرد."

و بدین ترتیب بود که از زیر این انقلاب و این رهبر بزرگ بزرگترین فیلمسازان تاریخ سینما در آمدند، تنها نگاهی به نامهای لف کولشوف، پودوفکین، ژینگا ورتوف(بنیانگذار سینمای مستند)، گریگوری کوزیتسف و آیزنشتاین این سخن را تأیید می کند.

آیزنشتاین اولین فیلم خود را (اعتصاب) در سال ۱۹۲۴ ساخت، وی در آن زمان ۲۶ ساله بود. این نمایش ترسناک و تحریک آمیز حد اکثر تشدید انعکاس های مهاجمانه ی اعتراض اجتماعی روسیه بود.

ادامه در صفحه ۲

از دریچه نگاه مردم ! در صفحه ۸

آینده ی محافل اینترنتی چپ در صفحه ۶

«نقدی بر قانون شورای اسلامی کار» در صفحه ۵

نماد پردازی های قوی، موزیک تاثیر گذار و تدوین ضربه ای، فیلمی تکان دهنده را به وجود آورد که نوید یک نابعه سینما را می داد. پس از آن آیزنشتاین ایوان مخوف را ساخت، این فیلم کاملاً متفاوت با دیگر آثار آیزنشتاین است و بیشتر به تئاتر متمایل است تا سینما.

طی سالهای ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ آیزنشتاین از روسیه خارج شد و به تحقیق، تفکر و تعامل با اروپا مشغول شد، دیدار تاریخی او با جویس نشان دهنده همین است، جویس، بزرگترین نویسنده قرن بیستم، بر این عقیده بود که تنها یک نفر می تواند اثر سنگین و فوق العاده اش اولیس را بسازد و این شخص سرگئی آیزنشتاین بود.

آیزنشتاین علاقه شدیدی به دیالکتیک، مارکسی و کاپیتال داشت، به طوریکه قصد داشت فیلمی بر اساس کاپیتال مارکس بسازد که البته پس از مدتی منصرف شد "بهرتر است کاپیتال کتاب بماند و من رزمنو پوتمکین بسازم" آری سرگئی آیزنشتاین به سراغ ساخت این شاهکار عظیم خود رفت. توضیحات این فیلم را در مقاله ای قرار خواهیم داد.

پس از بازگشت آیزنشتاین از اروپا، ایالات متحده آمریکا و مکزیک، همه چیز در شوروی تغییر کرده بود، بر خلاف لنین که سینما و سینماگران را کاملاً آزاد گذاشته بود، حال یوزف استالین، با بیرحمی و شقاوت شدید تمام منتقدان را از سر راه بر میداشت. استالین ابتدا بیانیه ای داد که به "جدول مخوف" معروف شد، او در این بیانیه به تمامی هنرمندان دستور داده بود که باید طبق جدول او و قوانینی که او می گوید تولید اثر کنند، یکی از بند های این جدول این بود: "تمامی فیلمسازان شوروی بزرگ ملزم هستند که سالی دو فیلم از پیشرفت کشاورزی کشور بسازند، این فیلم باید کشاورزان را انسان هایی شاد و خوشبخت نشان دهد." این جدول باعث اعتراض شدید ماکسیم گورکی، نویسنده بزرگ انقلابی شد، که البته استالین وی را زندانی و سپس تبعید کرد، در همین وضعیت ژیکا ورتوف را مجبور به ساخت فیلم های خبری کردند و شوستاکوویچ را از ساخت موسیقی منع کردند. در همین حال آیزنشتاین درگیر ساخت پروژه بسیار بزرگش "زنده باد مکزیک" بود، فیلمی که او هرگز نتوانست بسازد، پس از آن او به تحقیق درباره تدوین پرداخت اما استالین او را برج عاج نشین خواند و پس از آن چند روزنامه وی را به ارتباط با ایالات متحده محکوم کردند و آیزنشتاین تا پایان عمر از ساخت فیلم ممنوع شد، وی در عوض به تحقیق بر روی تدوین مباحثی نظیر: هنر به مثابه علم، تئاتر کابوکی

، مولفه های زیبایی شناسانه و ... پرداخت. در پایان مقاله ای از لیونل ریچارد را درباره اثر شگرف آیزنشتاین (رزمنو پوتمکین) که همه مولف های سینما از تدوین تا موسیقی را به هم زد قرار میدهم:

کشتی انقلاب ۸۰ سالگی رزمنو پوتمکین

۲۱ دسامبر ۱۹۲۵ « رزمنو پوتمکین» برای نخستین بار در بلشوی تئاتر مسکو به نمایش درآمد. این دومین فیلم بلند سرگئی میخائیلوف آیزنشتاین بود؛ سینماگر ۲۷ ساله ای که برای تئوری های فیلم سازی اش مورد توجه قرار گرفته بود. « رزمنو پوتمکین» سرگذشت انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بود و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را بشارت می داد. این فیلم وقتی به نمایش در آمد هنر سینما را به کلی متحول کرد.

به مناسبت بزرگداشت بیستمین سالگرد انقلاب ناتمام ۱۹۰۵ کمیسونی از طرف دولت شوروی که مسئولیت برگزاری این یادبود را برعهده داشت، به فکر تهیه فیلمی در باره این موضوع افتاد. اعضای این کمیسیون به کارگردان جوان، سرگئی. م. آیزنشتاین که یک سال قبل از آن فیلم «اعتصاب» را ساخته بود مراجعه کرد. آیزنشتاین، برای نوشتن، فیلمبرداری و تدوین، تنها چهار ماه وقت داشت. او داستان فیلم را بر پایه یک واقعه متمرکز کرد: قیام ملوان های یک کشتی جنگی در دریای سیاه، نزدیک بندر اودسا به تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۰۵.

در سال ۱۹۴۵ آیزنشتاین با اشاره به خاطراتش توضیح داد که چون رزمنو واقعی دیگر وجود نداشت، او مجبور شد از بدنه آهنی کشتی « دوازده حواریون» که در لنگرگاه «سباستوپل» متوقف شده بود، استفاده کند. قیام روی همین کشتی چنان واقعی و کامل بود که به قول او «این انقلاب بنیادین زیباشناسی سینما» موجب سپید شدن موی سانسورگران، پلیس و سرویس های نظم بسیاری از کشورهای دنیا شد.

بهترین منتقدین غربی سال های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ مثل زیگفرید کارل کوئر در آلمان تا لئون موسیناک، ژرژ شارنسل یا ژرژ آلمن در فرانسه، بلافاصله نبوغ هنری آیزنشتاین را تشخیص دادند. به قول «آلمن» سینمای شوروی با این فیلم، چهره حقیقی خود، یعنی بیان قدرت جمع، گروه و جنبش توده ای را پیدا کرد.

استقبال از این فیلم در خارج از اتحاد جماهیر شوروی موجب شد تا درجه ضدیت بسیاری از دولت های وقت با این کشور بتوان سنجد؛ چون یا از پخش فیلم جلوگیری کردند و یا

تنها به نسخه های سانسور شده آن اجازه نمایش دادند. (از جمله در ایران و چند باری که این فیلم در انجمن فرهنگی و ایران و شوروی به نمایش درآمد)

در این میان جایزه را باید به جمهوری وایمار در آلمان داد زیرا به تعویق انداختن های کمیسیون سانسور از زمان ممنوع کردن فیلم تا صدور پروانه نمایش، حدود هشت ماه - از مارس تا اکتبر ۱۹۲۶ - تمدید شد. در ۲۹ آوریل ۱۹۲۶ برای نخستین بار در برلین فیلم به نمایش در آمد. ولی بلافاصله مجوز زیر سوال رفت و کمیسیون یاد شده، مجبور شد سه بار دیگر جلسه تشکیل دهد تا بالاخره فیلم برای جوانان ممنوع اعلام گردید؛ زیرا به عقیده آنها «محتوی آن می توانست تأثیرات سوئی بر پرورش فکری جوانها بگذارد». وانگهی، صحنه هایی از فیلم را نیز بردند.

و اما در فرانسه چه گذشت؟ به ابتکار «لئون موسیناک»، فیلم آیزنشتاین، برای اولین بار در ۱۸ نوامبر ۱۹۲۶ در پاریس در سالن سینمای «ارستیک» که سینه کلوب فرانسه برای یک بعد ازظهر آن را کرایه کرده بود به نمایش در آمد و بعد به همت انجمن دوستان اسپارتاکوس که جلسات خصوصی نمایش فیلم ترتیب می دادند، به مکان های مختلف رفت. در اکتبر ۱۹۲۸ قوه قضائیه فرانسه، انجمن دوستان اسپارتاکوس را مجبور به انحلال کرد. و از آن پس، فیلم به کلی تحریم شد و پخش آن در شبکه سالن های معمولی سنتی ممنوع اعلام گردید. دولت های مختلف فرانسه آن دوران، مدت طولانی بر این امر پافشاری کردند و ممنوعیت آن ادامه یافت تا سرانجام در سال ۱۹۵۳ از محاق ممیزی بیرون آمد..... یعنی شش سال قبل از ژاپن (بله حقیقت دارد) و هفت سال قبل از ایتالیا.

مهم این است که بعد از موفقیت بزرگ اولین نمایش فیلم در بلشوی تئاتر مسکو در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۲۵ « رزمنو پوتمکین» به سرعت در همه جهان با استقبال روبرو شد و عجیب آنکه، نسخه های به نمایش درآمده، همگی از قیچی سانسور گذشته بودند. در سال ۱۹۵۸ هنگام نمایشگاه بین المللی بروکسل، بعضی از تاریخ نویسان سینما تا آنجا پیش رفتند که فیلم را به عنوان بهترین فیلم همه تاریخ سینما انتخاب کردند. ولی آیا این لقب افتخار آمیز، نگرشی را که فیلم از روزهای انقلابی ژوئن ۱۹۰۵ می دهد تایید و تضمین می کند؟ مسلماً نه.

در سال ۱۹۰۵ در روسیه چه می گذشت؟ همه چیز روز یکشنبه ۹ ژانویه در سنت پترزبورگ

آغاز شد. در آن روز مردم در سکوت به سمت مرکز شهر سرازیر شدند و با خود شمایل قدسین و تصاویر تزار نیکلا دوم را حمل می‌کردند. از یک ماه قبل، اعتصابی در همبستگی با دو کارگر اخراجی در کارخانه براه افتاده بود. اعتصاب گران توماری برای پدر عزیز ملت می‌برند تا او وضعیت زندگی آنها را در نظر بگیرد؛ ولی به محض اینکه جماعت به قصر زمستانی نزدیک شدند، قزاق‌های گارد سلطنتی شروع به تیر اندازی کردند. در پایان روز، حدود هزار کشته و دو هزار زخمی برجای مانده بود.

خاطره سال ۱۹۰۵

تزار و اطرافیانش با فرمان به خون کشیدن نظاهرات، نتیجه عکس آن چیزی که حساب می‌کردند را بدست آوردند. از پائیز ۱۹۰۴ رهبران جنبش کارگری، از شکست ارتش روسیه در خاور دور، در مقابل ژاپن (شکست بندر آرتور در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۰۴)، برای شدت دادن به خواسته خود استفاده کردند اما اکثر توده‌های مردم، هنوز به امکان بهبود وضعیت جامعه از طریق اصلاحات، اعتماد داشتند که در برخورد با این اختناق خونین بی‌رحمانه، همه توهماتشان نسبت به مقام پدرسالار تزار از بین رفت.

«یکشنبه خونین» ماه ژانویه ۱۹۰۵ در تمام سرزمین روسیه، راه را بر موجی از اعتصابات در کارخانه‌ها، قیام در روستاها و شورش در ارتش گشود. خطوط راه آهن اصلی جنوب روسیه در نیمه اول ماه فوریه، توسط کمیته ای از کارگران راه آهن متوقف شد. دولت، برای بازسازی وجهه تزار و آرام کردن شورش‌ها، تشکیل کمیسیون‌هایی از نمایندگان کارگران را پذیرفت. روند تشکیل این کمیسیون‌ها آغاز شد؛ ولی چهارصد نماینده انتخابی، قبل از شرکت در جلسات مذاکره، خواستار اعلام اصل آزادی تشکیل جلسه و آزادی بیان شدند. حکومت این درخواست را نپذیرفت و همه نقشه‌ها از بین رفتند و تنش‌ها تشدید شد.

در اکتبر، کارگران راه آهن مسکو و سنت پترزبورگ دست به اعتصاب زدند، کارکنان پست و دیگر سازمان‌های دولتی نیز به اعتصاب پیوستند. دیگر نه برق بود و نه تراموای و نه روزنامه ای. این بار دیگر اعتصابیون به درخواست بهبود وضع اقتصادی شان بسنده نکردند، بلکه هدف آنها تحول نظام استبدادی بود. اهداف آنها چه بود؟ به دست آوردن حقوق شهروندی، عفو عمومی زندانیان سیاسی، انتخاب مجلس قانون گذار که از طریق رای گیری همگانی مستقیم انجام شود. نمایندگان گروه‌ها و احزابی که انقلاب را تبلیغ می‌کردند، با غلبه بر مسائل ناشی از رقابت‌های داخلی موجود، مانیفست مشترکی برای خواست خود مبنی بر تدوین

قانون اساسی نوشتند.

دولت تزاری که در بن بست قرار گرفته بود، در اواخر نوامبر ۱۹۰۵ دست به مبارزه ای قاطع زد. نمایندگان «کمیته‌های اعتصاب و یا «شوراهای کارگری»، که «سویت» نامیده می‌شدند، به طور منظم دستگیر شدند و کارگرانی که حاضر به از سرگیری کارشان نبودند، از کارخانه‌ها اخراج شدند که این استراتژی، در شکستن جنبش اعتصابی موثر واقع شد.

اما در اولین روزهای ماه دسامبر، در مسکو جهشی به وجود آمد: در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۰۵ شورایی (سویتی) بوجود آمد که از طرف دو جناح حزب سوسیال دمکرات، یعنی بلشویک‌ها (انقلابیون) و جناح منشویک (رفرمیست‌ها) حمایت می‌شد. این شورا یک کمیته مبارزه سراسری (فدرالی) تشکیل داد و در ۶ دسامبر اعتصاب عمومی را اعلام کرد. در ارتش به سرعت قیام مسلحانه به راه افتاد؛ هشت هزار کارگر وارد مبارزه شدند و در تمام محله‌ها، سنگر بر پا شد.

تاکتیک دولت تزاری تغییری نکرد و در شب ۸ دسامبر همه اعضای کمیته فدرالی سوسیال دمکرات‌ها دستگیر و مرکز فرماندهی سویت‌ها نابود شد. سپس چون ارتش مسکو به اندازه کافی مورد اطمینان نبود، دولت، گارد سلطنتی «سنت پترزبورگ» را اعزام کرد و دست آنها را برای حمله به سنگرها باز گذارد. گروه‌های کارگری مسلح به مدت نه روز مقاومت کردند و سرانجام در ۱۸ دسامبر، کاملاً شکست خوردند.

بدین سان، سال ۱۹۰۵ با پیروزی رژیم تزاری پایان یافت و برای دولت، زمان انتقام فرا رسید. رهبران نیروهای انقلابی مخفی شدند، هر گونه مخالفتی و ادار به عقب نشینی می‌شد اما این وضع دیری نپایید؛ کمی پیش از شروع جنگ جهانی اول، در ماه اوت ۱۹۱۴ در بیشتر سندیکاهای «سنت پترزبورگ» و «مسکو»، بلشویک‌ها اکثریت را به دست آوردند و اعتصابیون نیز به همان اندازه سال ۱۹۰۵ قدرتمند. انقلاب از نو سر بلند کرد.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شکست ۱۹۰۵ را جبران کرد. پیروزی، اردوگاه خود را عوض کرد. درس از شکست‌ها به میدان آورده شد. جنبش انقلابی آموخت چگونه شورش‌های مسلحانه را با اعتصابات توده ای و شکل گیری شوراها (سویت‌ها) هماهنگ کند. تجربه این شوراها، که برای دفاع موضعی از منافع کارگران، تعدادشان افزایش یافته بود، باعث عنای استراتژی انقلابی شد.

اگر خاطره سال ۱۹۰۵، در جهان زنده ماند، نقش آیزنشتاین و فیلمش «رژمانو پوتیمکین» در این امر کوچک نبود. این فیلم تنها یک بازسازی

تاریخی است. آیزنشتاین، با تکیه بر یک «واقعه ویژه» و براساس تکنیک «جز برای کل» کوشید تا انقلاب ۱۹۰۵ را به شکلی عاطفی - حسی عینیت بخشد. او پیروزی اکتبر ۱۹۱۷ را به عنوان «خط اصلی» برگزید. آخرین تصویر فیلم که تصویری نمادین است، کشتی ای را نشان می‌دهد که بندر اودسا را ترک می‌کند و پیروزمندانه، راه دریا را در پیش می‌گیرد. و در پس این تصویر، اختناق تزاری است: پنج تا شش هزار کشته ای که بر جای مانده است.

از ۱۹ ژانویه ۱۹۲۶، وقتی که فیلم در سینماهای اتحاد جماهیر شوروی به نمایش در آمد، بعضی از تماشاچی‌ها اشتباهات و غیرواقعی بودن آن را تذکر دادند.

آیزنشتاین این تذکر را می‌پذیرفت، به ویژه اینکه جالب ترین صحنه‌های فیلم محصول تصورات خالص او بودند؛ مثلاً فصل معروف کالسکه ای که از پله‌های ریشلیوی کاخ اودسا سقوط می‌کند «صحنه سر خوردن پله به پله» و یا صحنه ای که در آن برسر ملوانهایی که از خوردن سوپ گوشت مانده سر باز می‌زدند (که علت اصلی قیام بود) نایلون بزرگی پرتاب شد. این خلاقیت او به حدی واقعی بود که ملوانی خود را به عنوان یکی از اعتصابیونی که نایلون بر سرش پرتاب شده بود، جا زد و در دادگاه حق تألیف مطالبه کرد و وقتی که آیزنشتاین توضیح داد که این صحنه تماماً ساخته تخیلات اوست، دادگاه به مضحکه تبدیل شد.

او، از اینکه وقایع سال ۱۹۰۵ به شکست جنبش اعتصابی انجامیده بود و از اینکه ملوان‌های کشتی پوتیمکین در واقعیت، سفرپر ماجرای خود را، با فرار و شکست غمگین شان، در بندر رومانیایی «کنستانزا» به پایان رساندند، بی‌اطلاع نبود.

خوش شانس ترین آنها موفق شدند از دست پلیس تزاری فرار کرده به رومانی مهاجرت کنند. اما آنچه که برای کارگردان اهمیت داشت، امید انقلابی بود که از بین نرفته بود. و در حالیکه سینمای جهانی در فیلم‌های به اصطلاح تاریخی که در آن به ستایش شخصیت‌های معروف، با انباشت قصه‌ها و رویدادها غرق بود، آیزنشتاین نشان داد که چگونه توده‌های مردم بی‌نام و نشان در شکست‌های غم انگیز شان نیز، می‌توانند موتور تاریخ باشند.

*مورخ و نویسنده: «ایدنولوزی نازیسیم و فرهنگ» (بروکسل، کمپلکس، ۱۹۹۲) و «هنر و جنگ» (فلاماریون، پاریس، ۱۹۹۵)

ادعای وزیر کار مبنی بر ایجاد کار و اشتغال با وجود تصویب لایحه پیشنهادی سخنی بی پایه و اساس است و هیچ توجیه اقتصادی و روانی در اثر این «اصلاحات» که بر پایه آن، بتوان به ایجاد کار و تولید و اشتغال دست یافت وجود ندارد. نادرستی چنین نظریاتی با تصویب خروج کارگاه های دارنده پنج کارگر توسط مجلس پنجم و همچنین اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار مبنی بر خروج کارگاه های تا دارنده ۰۱ کارگر از شمول برخی از مواد قانون کار توسط وزارت کار دولت پیشین و تمدید آن توسط دولت حاضر، به اثبات رسیده است.

تردید نایب رییس مجلس که می گوید: «شاید این اصلاحات بتواند به بهبود کارها بیانجامد»، نشانگر آن است که تدوین و تصویب لایحه مذکور اهداف دیگری دنبال می کند، اول آن که ماده ۳۳ قانون کار رژیم شاهنشاهی را احیا می کند و دوم اینکه بنا به اظهارات حسین تیز مغز (رییس سازمان کار و آموزش فنی - حرفه ای استان تهران) در مناظره رادیویی: «با توجه به پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی قانون کار باید اصلاح شود». و در نهایت به واسطه این که میزان عرضه نیروی کار بیش از تقاضای آن است و تسلط کارفرمایان بر بازار نیروی کار به عریان تر شدن هرچه بیشتر بحران بیکاری انجامیده است، وزارت کار بر آن شده است تا با طرح این گونه اصلاحات، ضمن سرپوش نهادن به بی برنامهگی دولت در جهت تامین کار و اشتغال و سر باز زدن از تعهدات خود درباره اصلاح فصل ششم قانون کار، برای کنترل بر شرایط موجود چاره کار را در راه حل های مصلحتی جستجو کند.

اولین اقدامات به ظاهر اصلاحی در جهت لغو مقررات کار پس از روی کار آمدن دولت آقای احمدی نژاد به طور جدی آغاز شده است، این اقدامات به دنبال یکسری زمینه سازی هایی در جهت کم رنگ کردن حداقل نقش تشکل های کارگری و حتی از میدان به در کردن تشکل های کارگری - دولتی پیشین صورت گرفته است و با گزینش نمایندگان جعلی وابسته به جریان غیرکارگری «جامعه اسلامی کارگران» که بدیل دولتی جدید در مقابل «خانه کارگری» ها است، پیگیری می شود.

وزیر کار به طور جدی از اصلاح فصل ششم قانون کار منطبق با مقوله نامه های بنیادین کار و مبتنی بر اصل ۶۲ قانون اساسی سر باز میزند و تعهد دولت پیشین در مقابل سازمان جهانی

هیات موسسان سندیکاهاى کارکرى تنها راه برون رفت از بحران موجود در روابط کار و رفع بیکارى رو به تزاید کنونى و همچنین جلوگیری از اخراج کارگران را در اصلاح فصل ششم قانون کار مبتنى بر تعهدات دولت در برابر قانون اساسى و تعهدات بین المللى در برابر سازمان جهانى کار میداند و همچنین ایجاد شرایط مناسب جهت برپایى و گسترش اقتصاد تولید محور و اشتغال زا را ضرورى میداند و بر این باور است که هرگونه راه حلى به جز ایجاد چرخه تولید و خدمات مفید و اشتغال زا به زیان همه آحاد مردم به ویژه کارگران خواهد بود.

هیات موسسان سندیکاهاى کارکرى از دولت جمهورى اسلامى ایران و مجلس شورى اسلامى، مصرانه مى خواهد ضمن به رسمیت شناختن حق آزادى کارگران در ایجاد تشکل های مستقل کارکرى (سندیکاها) و فعالیت در آن ها از به کاربردن شیوه های قییم مابانه و یک سویه و غیرکارشناسانه در روابط کار بپرهیزند و به قانون اساسى و مقوله نامه های بنیادین کار پایبند باشند.

هیات موسسان سندیکاهاى کارکرى
۵۸۳۱/۵/۵۲

کار و همچنین امضای تفاهم نامه سه جانبه در حضور نمایندگان سازمان جهانی کار را نادیده گرفته و نه تنها به حق کارگران در داشتن نمایندگان و سندیکاهاى واقعی شان اعتنایی ندارد بلکه فراتر از آن با گماشتن و فرستادن نمایندگان انتصابی کارگری به شورای عالی کار و اجلاس سازمان های بین المللی، به روابط پر تنش و بحران زا، که نتیجه ای جز بی ثباتی در جامعه کارگری در پی نخواهد داشت، دامن می زند.

وزیر کار جمهورى اسلامى با سیاست افزایش دوبرخی حداقل دستمزدها و سپس لغو مصوبه خود ساخته، باعث اخراج و بیکارى سیصد و بیست هزار کارگر طى مدت کمتر از سه ماه میشود.

ماهیت لایحه پیشنهادی «اصلاح» قانون کار درست در راستای تنش فزایی و بحران آفرینی در روابط کار، همچون همه اقداماتی است که به شرح مختصری از آن ها اشاره شد و در صورت تصویب، موجبات ناامنی شغلی کارگران را بیش از پیش فراهم می آورد. آنچه به عنوان قراردادهای کتبی مدت دار بین کارگر و کارفرما در فرم های وزارتی نقش خواهد بست و ارسال نسخه ای از آن به وزارت کار خواهد رفت، در صورت اجرا، بدون کنترل و نظارت سندیکاها و اتحادیه های کارگری به حربه ای در دست کارفرمایان برای به بند کشیدن و بردگی کشاندن کارگران بدل خواهد شد.

تنها قوانینی ضمانت اجرا و اعتبار حقوقی خواهند داشت که: ناقض قانون اساسی و مقوله نامه های بنیادین کار مصوب سازمان بین المللی کار نباشد. با حضور نمایندگان ذی نفع ها، اعم از اتحادیه کارگری و کارفرمایی و با آرایه و بررسی نظرات کارشناسانه و حقوقی آنان تهیه شود.

با سایر قوانین از جمله قوانین تامین اجتماعی مغایر نباشد.

ضامن امنیت شغلی، کرامت انسانی و در برگیرنده نیاز های یک زندگی شرافتمندانه کارگران در کوتاه مدت و دراز مدت باشد.

در برگیرنده ملاحظات ناشی از تاثیر بحران های اقتصادی از قبیل تعطیل واحد های کار و تولید و ورشکستگی های احتمالی به قصد حمایت از کارگران و کاهش آسیب های اجتماعی وارده بر زندگی آنان باشد.

هیات موسسان سندیکاهاى کارکرى آرایه لایحه پیشنهادى وزیر کار را مغایر با منافع کارگران، مخل تولید و خدمات اجتماعى مفید و موجب بحران و تنش بیش از پیش در روابط کار مى داند و به این وسیله اعتراض صریح خود را از این نوع اصلاحات اعلام مى دارد.

«نقدی بر قانون شورای اسلامی کار»

در جوامع پیشرفته، تربیت نیروی انسانی بعنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است و تأثیر مثبت آن در مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی انکارناپذیر است. تشکلهای کارگری و کارفرمایی باید این مسئله بسیار مهم را سرلوحه امور خود قرار داده و در راه ایجاد و گسترش بخشهای آموزشی، فرهنگی، علمی و ورزشی گامهای عملی بیشتری بردارند. نیروی کار باسواد، آماده و مطلع به مسائل روز شغلی و اجتماعی خود در ارائه خدمتی که برعهده اوست موفق تر است. اگر کارگر بداند و ببیند در سودکاری که انجام می دهد سهم است و هرچه قدر بیشتر و بهتر کار کند سود بیشتری نصیب او می شود مطمئناً در این راه تلاش بیشتری خواهد داشت. یکی از موضوعات مهم و پیچیده در مباحث مرتبط با روابط کار موضوع تشکلهاست. تشکلهای کار عمده تا در سه گروه اساسی تقسیم می شوند.

۱. تشکلهای کارگری: که حافظ منافع کارگرانند.
۲. تشکلهای کارفرمایی: که حافظ منافع کارفرمایانند.
۳. تشکلهای مشترک: که حافظ منافع طرفین کار هستند.
در این مقاله سعی می شود اشاره ای هرچند کوتاه و مختصر به تشکلهای کارگری و تشکلهای مشترک (که شوراهای اسلامی کار جزء تشکلهای مشترک محسوب می شود) داشته باشیم.

۱. تشکل کارگری: سازمانی است داوطلبانه و مستقل از کارگران یک حرفه.
صرف نظر از تفاوت های عقیدتی، سیاسی، مذهبی، جنسی و نژادی که به منظور تأمین و حمایت از منافع گروهی و اعتلای موقعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کارگران ایجاد می شود هدف از تشکیل سازمانهای کارگری، حفظ منافع کارگران، کمک به افزایش بهره وری کار و مشارکت در کنترل امور اقتصادی و اجتماعی کشور است. تشکلهای کارگری زمانی می توانند وظایف خویش را به خوبی انجام دهند که استقلال خود را مقابل دولت و کارفرما حفظ کنند و اجازه ندهند هیچ قشری و گروهی و فردی اداره امورشان را تحت انحصار خود درآورند. وظایفی که تشکلهای کارگری در هر کشور انجام می دهند تحت تأثیر شرایط محیط بر جامعه از قبیل شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

است. بطور کلی تشکلهای کارگری می کوشند تا شرایط مناسب کار، مزد کافی و محیط فیزیکی مناسب را برای اعضای خود تأمین کنند. در عقد پیمان های دسته جمعی به نمایندگی از جانب کارگران اقدام کنند. از حق و حقوق اعضای در مقابل قدرتها دفاع کنند و در آموزش کارگران و آشناسازی آنها به تکالیفشان سهیم باشند. بی سواد و ناآگاهی کارگران بزرگترین دشمن آنان است. تشکلهای کارگری باید در رفع این مشکل تلاش ورزند و کارگران را برای انجام دادن بهتر وظایف و مسئولیتهای محوله در جهت منافع خود کارگران و کل جامعه بسیج نمایند. با توجه به موارد اشاره شده آیشوراهای اسلامی کار (شرکت واحد) به حداقل آن چه را که گفته شد عمل کرده و می کنند؟ و آیا اصولاً و طبق قوانین موجود شوراهای اسلامی کار (شرکت واحد) جزء تشکلهای کارگری محسوب می شوند؟

شوراهای اسلامی کار از نوع شوراهای بازوی فکری مدیریت یا شوراهای مردمی محسوب می شود. در تشکیلات مخروطی شکل. شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان مندرج در اصل یکصد قانون اساسی و شورای واحدهای موضوع اصل یکصد و چهارم قانون اساسی پیش بینی شده است و اساساً اصطلاح شورا به این نوع شوراهای اختصاص می یابد که شوراهای اسلامی کار نیز جزء مصادیق آن به شمار می آید. قانون شوراها با قانون کار هماهنگی ندارد. در قانون کار شورا به عنوان یک تشکل کارگری دیده شده است در حالی که در قانون شوراها از آن به عنوان یک تشکل مشترک یاد شده است و این دو بایکدیگر هم خوانی ندارند. هدف اصلی شوراهای اسلامی اعمال اصل مشارکت در مدیریت است در حالی که هدف اصلی تشکلهای کارگری که دارای شخصیت صنفی است. دفاع از منافع صنفی و حرفه ای کارگران است. به این ترتیب ملاحظه می شود که بین شورا و تشکل کارگری تفاوت ماهوی وجود دارد. از نظر کیفیت ترکیب، شورای اسلامی کار یک تشکل دوجانبه است و نمی توان آن را همانند انجمن صنفی یا سندیکا یا نمایندگی کارگران دانست.

در قانون کار به شوراهای اسلامی اجازه داده شده است که از طریق کانونهای هماهنگی نمایندگان خود رابه هیئتهای تشخیص و حل اختلاف اعزام کند و نمایندگی کارگران در سطح کارگاه مجامع و شوراهای ملی و بین المللی را داشته باشد، به علاوه طبق قانون حق مذاکره دسته جمعی و عقد پیمان دسته جمعی نیز به آنان داده شده است. طبق مفاد ماده ۵۳۱ برای شوراهای اسلامی کار، تشکیلات سعودی در نظر گرفته شده است و این امر با اصل یکصد و چهارم

قانون اساسی که وظایف شورا به حیطه داخلی واحد مربوطه محدود کرده است مغایرت دارد. مشورتی بودن شورا و ابهام در نقش نظارتی آن و عدم تعیین محدوده نظارت و چگونگی اعمال آن و همچنین محدود بودن اختیارات تصمیم گیری شورا و ضعف آن در ایجاد امکان مشارکت عملی کارگران در اداره امور مربوطه و ایجاد امکان تداخل قوانین کار و استخدام کشوری به دلیل تحت پوشش گرفتن کلیه کارکنان بوسیله قانون شورای اسلامی کار و همچنین عدم توجه به شرایط نماینده کارکنان و کارگران در هیئت تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورا و مسکوت گذاردن نحوه انتخاب نماینده مزبور است.

از ابهامات دیگر قانون شورای کار، تعداد جلسات مجمع عمومی که طبق ماده ۲۱ به ضرورت تشکیل مجمع عمومی عادی در هر سال اشاره شده و بر اساس ماده ۴۱ به ضرورت گزارش دهی شورا به مجمع عمومی در هر ۶ ماه تأکید شده است. همچنین سخت گیریهای زائد و در مواردی بی جا در مورد نحوه انتخابات و شکل گیری شورا است که (انتخابات) آن را غیردموکراتیک می نمایند. با توجه به موارد ذکر شده آیشوراهای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران می توانند نمایندگان واقعی کارگران باشند؟ آیشوراهای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از بدو تأسیس تاکنون موفق به امضاء پیمانهای جمعی شده اند؟ آیشوراهای اسلامی کار به مهم ترین نکته مثبت قانون شورای اسلامی کار که اظهار نظر درباره اخراج کارگران است پایبند بوده اند. و از این قانون در جهت جلوگیری از اخراج کارگران استفاده نموده اند؟ بنده معتقدم استفاده بهینه از این قانون نشده چرا که تعدادی از همکاران کارگران فقط بخاطر فعالیت در راه ایجاد سندیکایی مستقل کارگری از کار اخراج شده اند.

اینجانب از مسئولین محترم بویژه از مدیر عامل محترم تقاضا دارم حسن نیت خود را با بازگرداندن تعدادی از همکارانمان (که حکم قطعی برگشت به کار آنان توسط هیئت حل اختلاف وزارت کار و امور اجتماعی صادر شده است) نشان دهند که انشاءالله این اقدام خیر و خداپسندانه مورد توجه و عنایت حق تعالی و حضرت ولی عصر (عج) و باعث خوشحالی کلیه کارگران شرکت واحد گردد. و به امید حق، عامل ایجاد انگیزه ای باشد برای ارائه هرچه بیشتر و بهتر خدمتمان که همانا جابه جایی شهروندان تهرانی است باشد.

والله مع الصابرين
غلامرضا میرزائی عضو هیئت مدیره و مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه.

آینده ی محافل اینترنتی چپ

نادر ساده

از هنگامیکه شبکه ی اینترنت خانگی شد و به سرعت ارتباطات و مراودات چند جانبه افزوده گشت، روزبه روز استفاده از فضای مجازی گفتگو های جمعی نیز افزایش یافته و دارد بتدریج این نوع از امکانات مجازی، شاخه ای از جامعه شناسی ارتباطات را به خود اختصاص می دهد.

در بین کلیه ی کاربران، ایرانیان با گرایشات گروهی و سیاسی و سنی متفاوت در بهره گیری از امکانات و نرم افزارهای گفتاری - شنیداری و ویدئویی در رده های جلوقرار دارند. همانطور که میدانیم گرایشات چپ و سوسیالیست نیز در چند سال گذشته توانسته اند آراء و مباحث شان را در گفتگو های جمعی به معرض قضاوت بگذارند و با توجه به پراکنده گی جمعیت؛ علاوه بر کسانی که آشنایان قبلی یکدیگرند و در کنار ارتباطات معمولی و تماس های روزانه دیگر؛ در شبکه ی چت روم ها نیز مشتری و کاربرو گرداننده اند، افراد بیشتری نیز توانسته اند، بتدریج از پل های مجازی بگذرند و در ارتباطات چند سویه با کاربران دیگری قرار گیرند. در همین فضای مجازی اما، گروهبندهای خاصی تشکیل شده است که یکدیگر را تأیید می کنند؛ یکدیگر را رد می کنند، با یکدیگر رقابت می کنند و یا در مواردی نیز از یکدیگر مخفی می شوند و در اتاق های در بسته در جمعی خودمانی به مسائل خاص خودشان می پردازند.

در بین افراد با گرایشات چپ البته علاوه بر گپ و گفتگوی محدود و ارتباطات سیاسی درون گروهی محدود، برگزاری جلسات عمومی بحث هفتگی رایج ترین است. شرکت کننده گان دائمی ثابت و تعداد شرکت کننده گان متغیر در مجموع رو به افزایش است که بخشا از تغییر دائمی نامهای شرکت کنندگان شناخته شده و همچنین پیوستن افراد جدیدی به کلوپ های بحث ناشی می شود. این گونه جلسات عمومی البته در موارد غالب مفیدند و برای برگزار کننده گان و شرکت کننده گان حکم روزنامه های شفاهی را دارند. عده ای مشتری دائمی هستند و از آغاز تا پایان مباحث را دنبال می کنند، عده ای به تیر مباحث بسنده

بندرت افرادی با گرایش چپ از داخل کشوریه جرگه این محافل جذب می شوند. محافل مطالعات سیستماتیک مارکسیستی، محافل راه اندازی پروژه ای فعالیت های جدید حول یک نشریه چپ و سوسیالیستی، محافل باصلاح هماهنگ کننده ی گروههای کاری در نقاط مختلف و محافل نیمه سیاسی و نیمه تشکیلاتی منتسب به تشکل های چپ که شناخته شده اند، نمونه ای از این محافل اند که غالباً هم از حضور همزمان خود در یک فضای مجازی واحد و حتی یک کاتاکوری مشترک اتاق های بحث بی خبرند.

برخی تجمع مجازی شان را صرفاً بخشی از تدارکات اقدام در فضای واقعی قلمداد می کنند. دستکم این وعده را بخود می دهند و روی نوع و روش دخالتگری پلمیک می کنند. برخی از شرکت کننده گان در این محافل عمدتاً از فعالین با سابقه هستند و در عرصه های نقد و بررسی و نگارش و شرکت در فعالیت های تشکیلاتی در بین آنان افراد شناخته شده ای هم حضور دارند؛ این امر بخودی خود انتظار از این محافل را بالا می برد و در همان فضای مجازی بر کیفیت مباحث تأثیر گذار است.

از طرف دیگر وقتی مسئله اقدام در بیرون مطرح باشد، محک سنجش هم باید در اجرای قرارها در بیرون باشد ولی تا جایی که بدلیل تقسیم جغرافیایی و شرایط زیست مجازی مراودات توهم زاست، اعتماد های متقابل با مشکل روبروست. بهمین دلیل معمولاً شناخت افراد درون محافل از یکدیگر آغشته به توهم می گردد و هرگز نمی تواند جایگزین شناخت تجربی و نزدیک از یکدیگر گردد. بهمین خاطر برای افراد شرکت کننده از داخل کشور در اینگونه محافل مسئله ی شناخت و اعتماد پیچیده تر است.

از یکطرف آنان می دانند در دنیای مجازی هستند و در پوشش اسامی ناشناس کمتر قابل شناسایی اند با این وجود عمدتاً حتی در این محافل قفل شده؛ از میکروفون نیز استفاده نمی کنند و شنونده اند و مطالب شان را غیر مستقیم انتقال می دهند. از طرف دیگر بدرستی قادر نیستند به ادعا های افراد مقیم خارج از کشور اعتماد کنند. حرفهای قشنگ را می شنوند، گاهی هم مرعوب می گردند؛ گاهی هم تازگی برایشان دارد، ولی چقدر این فضای مجازی آنان را قانع می کند که وارد کارگروهی با اینگونه جمع ها بشوند معلوم نیست. عده ای البته حاشیه ای ارتباطات خود را حفظ می کنند. اما آنچه مسلم است آنان نیز خواه ناخواه آغشته به توهم فضای مجازی می گردند و اطلاعات انتقال یافته بدن آنها دیجیتالی است. گاهی ممکن است

می کنند و از آن می گذارند و عده ای هم بهترین ها را تشخیص می دهند و هدف مند مباحثی را انتخاب و در جلسات خاصی هم شرکت می کنند و در اتلاف وقت صرفه جویی می کنند. برگزار کننده گان اتاق های بحث اینترنتی اما گروهی از افراد هستند که خود را سوسیالیست و کمونیست و انقلابی معرفی می کنند که به گرایشات خاصی تعلق دارند و یا عضو تشکل هایی نیز هستند؛ اما برخی دیگر چنان وانمود می کنند که مستقل هستند و مشغول خدمت به "اتحاد سوسیالیست ها" و برای کمک به جنبش کارگری ایران برنامه اجرا می کنند. همین زیست مجازی است که امکان میدهد این افراد در عین حالیکه از کار متشکل تشکیلاتی حذر می کنند، خود را مستقل معرفی نمایند و خلاء فعالیت واقعی را در تراکم برنامه های اینترنتی پر کنند و همین جلسات بحث و گفتگو را جایگزین فعالیت تشکیلاتی و فعالیت هایی سیاسی نمایند که در دنیای واقعی فعالین کارگری و سوسیالیست مجبور به انجامش هستند. تجربه ی سالهای اخیر بارها نشان داده است که امکانات تکنیکی پیشرفته همانطور که می تواند در فعالیت سیاسی - اجتماعی در سرعت ارتباطات موثر باشد، همانطور هم می تواند بر ذهنیت و تصورات افراد درون یک جنبش تأثیر گذار باشد و به تعلیق اجتماعی بیشتر از محیط زیست و کار بیانجامد که اصولاً حوزه ی اصلی کنش گری برای سوسیالیست ها ست. این ویژه گی غلط انداز تکنیک پیشرفته و خدمت گذاری این افراد به اصطلاح مستقل بدان الزاماً در پیشرفت فعالیت های کارگری موثر نمی افتد بلکه مانعی بر سر فعالیت بالفعل کسانی نیز ایجاد می کند و برخی دیگر را که توهم فضای مجازی بر آنان غالب گشته و مرز بین واقعیت و تخیل را گم کرده اند افزایش می دهد. نمونه ی افرادی که بنام "فعال کارگری" در اینگونه اتاق ها خود را معرفی کرده اند کم نیست که نه زبان کارگر را بلبلند نه جوهر طب مانند رهنمود دهند.

با همه این اوصاف و نکات مثبت و منفی، اتاق های بحث سوسیالیستی در اینترنت پدیده ای آشناست.

تشکیل محافل چپ اینترنتی اما، رکن دیگری است که بویژه در دوسه سال اخیر در اینترنت اشاعه یافته و کمتر درباره آن صحبت شده است.

ویژگی این محافل در گزینشی بودن شرکت کننده گان است. درجه ای از اعتماد و شناخت و تشویق ها و تأیید ها و انتخاب های کنترل شده در ترکیب این محافل موثر است. نسبت شرکت کننده گان در خارج از کشور بالاست و

به توان و ظرفیت اینگونه محافل به نحو اغراق آمیزی باور کنند و احساس کنند که از دور دستی به آتش دارند و بازیگران اصلی کسانی هستند که در جوامعی که زندگی می کنند دست و پایشان باز است، گاهی هم از اینکه در داخل کشور هستند، موقعیت جغرافیایی برایشان در بین اعضای محفل امتیازی ایجاد می کند که توهم همین نیز می تواند فریبنده باشد.

عدم امکان رابطه مستقیم با مخاطبین در درون جامعه بسته ایران زمینه ی روی آوری برخی افراد و نیروهایی است که در جامعه ایران بعنوان روشنفکر معترض زندگی می کنند و با وجود سرکوب و فضای بسته با حداقل امکانات و البته صرف وقت زیاد قادرند پلی بزنند به فضای بی انتهای مجازی.

ویژگی سوم این محافل این است که به ظاهر محافلی هستند چند گرایشی و ترکیب متنوع دارند و افراد شرکت کننده از سنت های مختلف هستند و از همه مهمتر منفرد هستند و بصورت فردی به محفل دعوت شده اند.

با وجود این ادعا ما می دانیم که خواه ناخواه سازمانده هان اولیه گزینشی عمل کرده و می کنند و آگاهانه می خواهند مانع حضور افرادی باشند که آنان را قاتی کارگر آگاه را با خود دارند.

در این اتاق ها، برخی انگشت نما از گرداننده گان اتاق های بحث، بصرف اداره ی اتاق بحث از فرصت پیش آمده توسط یک سخنران یا یک فعال واقعی کارگری یا سندیکایی بویژه وقتی از ایران هستند، برای خودشان جایی باز می کنند تا با بازار گرمی و تبلیغ برای خودشان به دیگران که معمولاً ساکت می مناسب کاری که قصد دارند در پیش گیرند ارزیابی نمی کنند. همین گونه ی "دیگری بودن"، یا عبارت دقیق تر "چپ از نوع دیگری بودن"، و "سوسیالیست از نوع دیگری بودن" است که هم عاملی در پنهان کاری و افتابی نبودن این محافل از یکدیگر است و هم نقطه تمایز این محافل از جلسات عمومی مباحث علنی مربوط به جنبش کارگری و چپ قرار داده می شود. در عین حالیکه اتاق عمومی مباحث مربوط به چپ انباشته از همین محفلی ها است.

با توجه به فضای بی کران اینترنت و امکان آرایش هندسی محافل و مجامع و ازادی کامل افراد در انتخاب جا و مکان شان فی نفسه هیچ ایرادی به شکل گیری محافل سوسیالیست اینترنتی وارد نیست. این محافل می توانند شکل بگیرند و بعد از مدتی تغییر شکل دهند، منحل شوند، بزرگ و یا کوچک شوند. این جابجایی ها، اما تأثیری در آینده ی محافل اینترنتی بعنوان یک پدیده ندارند. آنچه مهم است رابطه این محافل

عمومی و علنی مربوط به جنبش چپ، کارگری و سوسیالیستی را به بحث گذاشت و در محل کار و زیست باید کمیته های همبستگی با جنبش کارگری را هر جا که هستیم به ابتکار خودمان تشکیل دهیم و در رابطه های زنده ی شبکه ای با فعالین دیگر این عرصه وارد هماهنگی و همکاری شویم.

آینده ی محافل اینترنتی اما سیال، ناپایدار، ذهنی و مجازی است. سوسیالیست ها و چپ های کارگری مجاز نیستند بسان جزایر پراکنده در هزارتوی اینترنت گم و ناپدید شوند. اینرا به منادیان سوسیالیست های اینترنتی واگذاریم.

۱۶ سپتامبر ۲۰۰۶

با جنبش واقعی چپ؛ کارگری و سوسیالیستی کشورمان است. تعیین این نوع رابطه است که این محافل را تک به تک با چالش روبرو می کند. بالاخره افراد شرکت کننده در این محافل انسانهای واقعی هستند و در شهر و کشوری در این جهان زندگی می کنند، که روزانه در آنجا صد ها مسئله سیاسی اجتماعی در جریان است و بعنوان ایرانیان تبعیدی خوانا خواه در جریان مسائل داخل کشور ایران هم قرار دارند و بایستی دقیقاً بدانند در جامعه ایران جنبش کارگری زنده سازمانیابی می شود و حمایت های موثر بین المللی در تقویت آن کارساز است و وظیفه این است.

آیا برای تشخیص نیاز مبرم به حضور و شرکت در مبارزات جاری سیاسی این کشور ها بنام سوسیالیست ها و مدافعین جنبش کارگری تجربه ی واقعی چند دهه گذشته و نارسایی های جدی در جلب حمایت های بین المللی کارگری کافی نیست؟ آیا بدون تجمع ایرانیان سوسیالیست و کارگری که در یک محل زندگی می کنند و تشکیل یک کمیته یا گروه یا کانون همبستگی و انتقال متقابل اخبار و گزارشات کارگری و ایجاد پل دو سویه بین فعالین کارگری ایران و فعالین کارگری کشورهای دیگر می توان اصولاً در اهمیت حمایت های بین المللی در اتاق های بحث اینترنتی داد سخن راند اما در همان محله و شهر زندگی سر در کار خود فرو برد و بی تأثیر بر کشمکش های سیاسی اجتماعی و در افکار عمومی کشورهای میزبان باقی ماند و بعنوان مدعی و عضو جنبش کارگری هم بر بی نقشی خود توجهات افلاطونی تراشید و از پشت مونیاتور کامپیوتر با تکنیک از راه دور در جلد یک فعال کارگری یا سوسیالیست در آمد و کارگران پیشرو ایران را وام دار خود ساخت؟

عدم تناسب بین محافل تشکیل شده چپ و سوسیالیست با نیاز های عملی و واقعی فعالیت در محل زیست کار از یکسو و تعداد قلیل کمیته هایی که بطور واقعی به ابتکار تعدادی از مدافعین جنبش کارگری بعنوان مثال در چند شهر آلمان تشکیل شده است نشان از ۲ آینده ی متفاوت دارد. آینده ی کمیته های محلی، پایدار و استوار و حقیقی و واقعی است. چرا که انگیزه حیات آن ربط مستقیم به حیات و مبارزه ی جنبش کارگری دارد و عضوی از آن است. این به معنای پشت کردن به اینترنت نیست. بقول آن حرف معروف ما سوسیالیست ها و چپ های کارگری باید از آخرین کلام در تکنیک بهره بریم.

در اینترنت همچنان می توان و باید از امکانات برای سرعت ارتباطات استفاده کرد. مباحث

منطقه دارد؟ به این نتیجه می‌رسیم که اتحاد کشورهای ۵+۱ تا چه اندازه شکننده است و مشاوران خامنه‌ای با آنالیز صحیح از این اجماع جهانی!! چگونه با پتک تزویر به ترکهای این جام متحد؟ می‌کوبند.

در این میان بلر بدرستی این نکته را بیان می‌کند که مصالحه اتمی با ایران اشتباهی است که ایندگان آنرا نخواهند بخشید.

بنابراین غرب اگر در مقابل این رژیم مذهبی که توسط دستان پنهان روسیه به تکنولوژی نظامی پیشرفته دسترسی پیدا کرده و قصد دارد با حمایت هر چه بیشتر روسیه در ادامه حیات ننگین خود به بمب اتمی نیز مجهز شود خطری است که نه تنها ملت ایران بلکه بقول بوش تمدن بشری را تهدید خواهد کرد مطمئناً با سقوط این رژیم تروریسم و تب حرکتهای اسلامی در میان مسلمانان منطقه رخت بر خواهد بست و دنیا به طرف آرامش بیشتری سوق پیدا خواهد کرد.

پول ایران و حزب الله لبنان عده ای می‌گویند خامنه‌ای ۸ میلیارد دلار برای لبنان مخفیانه کمک کرده ۲ میلیارد دلار آنرا سریعاً سوریه بابت خسارات های ناشی از جنگ که مثلاً به آنها وارد شده گرفتن و مابقی ۶ میلیارد دلار را حزب الله با آن هر کاری می‌خواهد میکند پول به مردم می‌دهد تا محبوبیت ازدست خود را بین طرفدانش ۲ باره بدست بیاورد این در حالی هست همه مردم از شروع کردن جنگ اولیه بدست حسن نصرالله نراحت و ناراضی هستن . حالا مگر مردم ما احتیاجی به این پول ها ندارند چپاول سرمایه های کشور بدست اینها به حلقوم نوکران خامنه ای ریختن در لبنان چه نتیجه ای عاید مردم و ایران میشود؟ جا هستن اینها که ملوک قبل ایران را خائن و نظام دیکتاتوری آخوندی رو الهی می‌دانستن معنی الهی بودن اینست آیا؟

جنگ طلبی و جنگ طلبان بادی که طوفان بهمهرا خواهد آورد.

حداد عادل در قریزستان: ایران در مسائل هسته‌ای به پیشرفت بزرگی دست یافته ؟ و تهدیدات آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران بی اثر است.

نیویورک تایمز : احمدی نژاد در یک گفتگوی غیر رسمی گفت که انگلستان و آمریکا در جنگ جهانی دوم پیروز شدند، اما آنها جنگ بعدی را نخواهند برد، بلکه ایران این جنگ را خواهد برد. "البته ما وقتی چنین سخنی را از او شنیدیم نه تنها متعجب شدیم، بلکه "شوکه" شدیم. نباید فراموش کرد که او رئیس جمهوری است کم ارتباط با دنیا و عمدتاً در دنیای خود بسر می‌برد.

آیا با وجود اینکه روسیه عمدتاً و چین با ایران همکاری های نظامی دارند، اما بنظر نمی‌رسد که این دو کشور به نفع ایران درگیر یک مناقشه نظامی شوند.

دکترین تازه اتمی دولت بوش دارای دستورالعمل مشخصی است که به آن اجازه می‌دهد تا از سلاح هسته‌ای بعنوان "عاملی بازدارنده" بر علیه "دشمنان یاغی" استفاده نمایند، که یا "دارای" سلاح کشتار جمعی هستند و یا درحال "گسترش" آن می‌باشند.

رهبران جنگ طلب ایران بهتر است از بلوف زدن که به نفع جنگ طلبان است دست بردارند و آینده تاریکی برای ملت ایران رقم نزنند با نگاهی به صدام حسین به این بیندیشند که تسلیم شدن با شجاعت بهتر از تسلیم شدن با ننگ و کشتار و ویرانی کشور است.

در پس پرده اقدامات امنیتی!! ارشادی!! اقتصادی!! و مصالحه با اروپا و شکستن سد مذاکرات قبل از قطع غنی سازی و ایجاد شکاف بین کشورهای ۵+۱ و استراتژی خلافت اسلامی تهران؟ بنظر رژیم تهران نقطه عطف فشار کشورهای موسوم به ۵+۱۳ اوت جهت قطع غنی سازی اورانیم بود که رژیم از آن سر باز زد. از این پس رژیم تهران با تشویش کمتری استراتژی خود را بنا به وعده های اگر و مگر با اروپائینی که از بحران نفت و شهروندان عرب خود و خطر تروریسم میترسند و همچنین منافع خود را در تحکیم روابط خود با رژیم تهران در تقابل با استراتژی روسیه در منطقه خلیج فارس جستجو میکنند بنا نهادند و از طرفی رژیم تهران جهت رفع نگرانیهای آمریکا در عراق و چراغ سبز به آنها بواسطه خاتمی تلویحاً "اسرائیل در کنار کشور فلسطینی را برسمیت شناخت و وجود ارتش آمریکا را در عراق ضروری دانست و قول همکاری در مبارزه با تروریسم در عراق و تحکیم دولت کنونی در آنرا داد و بطور لفظی اعلام کردند که اگر آمریکا بطلبد از این پس آمریکا شیطان بزرگ!! نیز نخواهد بود خاتمی همچنین تاکید کرد که این نظرات نظرات دولت (خامنه‌ای) ایران است . بنابراین رژیم تهران سعی دارد برای پیشبرد استراتژی خود با ترفند هائی از قبیل اعتماد سازی و عدم حمایت از تروریسم در عراق و افغانستان از یکطرف و اعطاء و اجازه بسط و نفوذ سیاسی اقتصادی بیشتر به طرفهای اروپائی خود در منطقه استراتژیک خلیج فارس با یک توقف کوتاه مدت غنی سازی هم به قطعنامه سازمان ملل عمل کرده باشد و هم کشورهای ۵+۱ را راضی به خانه های خود روانه کرده باشد و بعد از مدت کوتاهی مجدداً بنام استفاده صلح آمیز از تاسیسات اتمی به منظور خود نائل آید.

در صورت شکست این استراتژی تاکتیک بعدی رژیم تهران چیست؟ رژیم تهران از هم اکنون به پیش باز تحریم های احتمالی رفته و درصدد کوفنی کردن بنزین در وهله اول و در نهایت کوفنی کردن مایحتاج عمومی است در این راستا نیز به تقویت نیروهای سرکوبگر خود جهت سرکوب اعتراضات مردمی و دانشجویی ادامه میدهد و تمامی روزنامه های نیمه آزاد را نیز بصورت فله ای یکجا تعطیل کرد و همچنین به جمع آوری آنتن های ماهواره ای و ایجاد اختلال و مسدود کردن سایت های خبر رسانی اینترنتی نیز ادامه میدهد و از طرفی به بهانه های مختلف به مانور های نظامی و ارائه قدرت برتر نظامی خود با آزمایش ادوات جنگی جدید دست میزند

خامنه‌ای بارها اعلام کرده اجماع جهانی علیه ما وجود ندارد؟ رهبران فعلی اروپا تا کنون ثابت کرده اند که با چشمانی کور فقط منافع کوتاه مدت خود را می‌بینند و منافع دراز مدت کشورهای خود را فدای این کوتاه بینی های نابخردانه میکنند و از طرفی با نگاهی به روسیه و سخنان سرگئی لاوروف که مدتی پیش اعلام کرد که در صورت حمله نظامی به رژیم اسلامی معلوم نیست دامنه این جنگ به آنچه حمله کنندگان به آن فکر کرده اند محدود شود؟! و سخنان پوتین که آمریکا را به یک گرگ گرسنه تشبیه کرد که قصد بلعیدن همه چیز را به نفع خود در این

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

kar-Co
Box 100 63
400 70
SE-GBG Sweden

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۴۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

webmaster@fedayi.org

روابط عمومی

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org